

واکاوی روش علامه طباطبایی در تفسیر آیات الأحكام با تأکید بر نقش قرائن مقامی

عبدالهادی فقهی‌زاده^۱، علیرضا دل افکار^۲، حسن اکبری^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۰۶)

چکیده

قرائن مقامی در تفسیر آیات قرآن از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند، زیرا این قرائن به فهم دقیق‌تر و عمیق‌تر معانی آیات کمک می‌کنند. یکی از اهداف اصلی مفسران در تفسیر قرآن، رسیدن به معنای اصلی و مقصود واقعی آیات است، که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی نزول آیات، به‌سختی قابل دستیابی است. از این رو پرداختن به این موضوع ضرورت دارد. یکی از دلایل اصلی ضرورت توجه به قرائن مقامی، جلوگیری از تفسیر نادرست و دور شدن از معنای حقیقی آیات است. بسیاری از آیات به شرایط خاص تاریخی یا مخاطبان ویژه‌ای اشاره دارند که درک آنها بدون مطالعه دقیق شأن نزول و محیط فرهنگی و اجتماعی زمان نزول ممکن نیست. این رویکرد نه تنها به جلوگیری از تفسیر به رأی کمک می‌کند، بلکه به مفسر اجازه می‌دهد تا معانی آیات را در بستر واقعی خود دریابد. علامه طباطبایی، یکی از شاخص‌ترین مفسرانی است که به قرائن مقامی توجه ویژه نشان داده است. او با بررسی شأن نزول، مخاطبان آیات، و شرایط اجتماعی زمان نزول، تلاش می‌کند معنای دقیق و هدف اصلی آیات را درک کند. به‌عنوان نمونه، در تفسیر آیات مربوط به قصاص و احکام اقتصادی مانند ربا، با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه عرب پیش از اسلام، فلسفه تشریح احکام اشاره می‌کند. او همچنین به تدریجی بودن تشریح احکام اشاره دارد و نشان می‌دهد که برخی احکام به تدریج برای پذیرش بهتر در جامعه اسلامی نازل شده‌اند. علامه طباطبایی معتقد است؛ علاوه بر شناخت دقیق مخاطبان و شرایط اجتماعی، باید به سبک زبانی و بلاغی قرآن نیز توجه کرد. او با تحلیل دقیق واژگان و ترکیب‌های زبانی، معانی آیات الاحکام را کاویده و به درک عمیق‌تری از آنها دست یافته است.

کلید واژه‌ها: علامه طباطبایی، تفسیر قرآن، قرینه‌های مقامی، آیات الاحکام، تفسیر المیزان.

۱. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ faghhezad@ut.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ delafkar@pnu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Akbari_hassa90@yahoo.com

۱. بیان مسأله

فهم دقیق مراد شارع در آیات الاحکام، همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مفسران قرآن کریم بوده است. در این میان، قرائن مقامی به‌عنوان عوامل بیرونی و غیرلفظی مؤثر در تفسیر آیات، نقشی تعیین‌کننده در کشف معانی صحیح و رفع ابهام از ظواهر آیات ایفا می‌کنند. با وجود اهمیت این قرائن، چگونگی بهره‌گیری روشمند از آن‌ها، به‌ویژه در تفسیر آیات الاحکام، همواره محل بحث و اختلاف نظر میان مفسران بوده است. علامه طباطبایی به‌عنوان یکی از مفسران برجسته معاصر، در تفسیر *المیزان* رویکردی خاص و منسجم در استفاده از قرائن مقامی اتخاذ کرده است؛ رویکردی که مبتنی بر توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی نزول، مخاطبان آیات، سیاق و نظم قرآن و پیوند آیات با هدایت کلی آن است. با این حال، شاخصه‌ها و عناصر روش‌مند این رویکرد در مواجهه با قرائن مقامی، به‌صورت مستقل و نظام‌مند، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است؛ به‌ویژه در حوزه تفسیر آیات الاحکام که دقت در استنباط حکم شرعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش آن است که علامه طباطبایی از چه شاخصه‌ها و اصولی در بهره‌گیری از قرائن مقامی در تفسیر آیات الاحکام استفاده می‌کند و این قرائن چگونه در فهم و تبیین احکام شرعی نقش‌آفرینی می‌کنند؟ همچنین این پرسش مطرح می‌شود که کاربست این قرائن در تفسیر آیات مربوط به قصاص، طلاق و ارث چه نتایجی در فهم دقیق‌تر احکام به همراه دارد؟

۲. مقدمه

قرائن مقامی یکی از مباحث مهم در علوم قرآنی و اصول تفسیر است که به موقعیت، شرایط و زمینه‌های خاصی که آیات در آن نازل شده‌اند یا به آن اشاره دارند، توجه دارد. درک این قرائن به مفسران کمک می‌کند تا معنای دقیق‌تری از آیات به دست آورند و با

توجه به بافت و زمینه نزول، از برداشت‌های ناصواب یا تقلیل‌گرایانه پرهیز کنند. از این رو، قرائن مقامی به‌عنوان یک روش، نقش کلیدی در تفسیر دقیق قرآن کریم، به‌ویژه در حوزه آیات الاحکام، ایفا می‌کند (بابایی، ۲/۲۴۳). در تفسیر آیات الاحکام، که مستقیماً با استنباط احکام فقهی و شرعی مرتبط‌اند، توجه به قرائن مقامی از اهمیت دوچندان برخوردار است؛ چرا که غفلت از شرایط تاریخی، اجتماعی و مخاطب آیات می‌تواند به برداشت‌های نادرست از حکم شرعی بینجامد. علامه طباطبایی به‌عنوان یکی از مفسران برجسته معاصر، در تفسیر المیزان علاوه بر تکیه بر ظاهر آیات و روایات، از قرائن مقامی به‌صورت گسترده بهره گرفته است. هرچند در پژوهش‌های تفسیری به روش کلی تفسیری ایشان توجه شده، اما بررسی مستقل و منسجم شاخصه‌های روش علامه طباطبایی در مواجهه با قرائن مقامی، به‌ویژه در تفسیر آیات الاحکام، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. داده‌ها از منابع تفسیری، به‌ویژه تفسیر المیزان، و آثار مرتبط با علوم قرآنی و آیات الاحکام گردآوری شده و سپس با رویکرد تحلیلی، شاخصه‌های روش علامه طباطبایی در استفاده از قرائن مقامی استخراج و تبیین شده است. منظور از آیات الاحکام، آیاتی از قرآن کریم است که به بیان احکام فقهی و شرعی، اعم از واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات و مباحات می‌پردازد. قرائن مقامی نیز به مجموعه شرایط و عوامل غیرلفظی مؤثر در فهم آیات، مانند زمینه تاریخی و اجتماعی، مخاطبان آیات، سبک زبانی قرآن و شأن نزول اطلاق می‌شود. مفسران قرآن با بهره‌گیری از این قرائن می‌کوشند به لایه‌های عمیق‌تر معنایی آیات دست یابند و تفسیر دقیق‌تری از پیام وحی ارائه دهند.

بر این اساس، برای تبیین دقیق‌تر روش علامه طباطبایی، ابتدا لازم است مفهوم قرائن مقامی و جایگاه آن در تفسیر قرآن روشن شود و سپس اصول و شاخصه‌های کاربردی این قرائن در تفسیر آیات الاحکام مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۱. مفهوم قرائن مقامی

در راستای تبیین چارچوب نظری پژوهش حاضر، نخست به تبیین مفهوم قرائن مقامی پرداخته می‌شود تا مبنای تحلیل روش تفسیری علامه طباطبایی در ادامه مقاله روشن گردد. منظور از قرینه مقامی، همان قرینه‌های پیوسته غیر لفظی است که همراه سخن و نوشته وجود دارند و از این رو، «قرینه‌های حالیه» یا «سیاق حالی» نیز نامیده می‌شوند. قرینه‌های مقامی، برخاسته از فضای گفت و گو هستند و طیف وسیعی را دربرمی‌گیرند؛ از حال و هوای مخاطبان گرفته، تا فضای فرهنگی و اجتماعیِ چیره بر گفت و گو و سؤال‌های نهفته ذهنی معاصران. این قرینه‌ها در محیط و هنگام نزول وحی نیز موجود بوده که بخشی از آن‌ها را «اسباب نزول» می‌نامند. سبب نزول آیه، یعنی زمینه‌ای که موجب شده است تا خداوند متعال، وحی را فرو فرستد و حکمی را بیان و مسئله‌ای را طرح یا ردّ و انکار کند و یا حتی فرمان به کاری دهد و یا از کاری باز دارد. (مسعودی، ۱۳۹۵) قرائن مقامی در تفسیر قرآن به نشانه‌ها و شواهدی اشاره دارد که از شرایط و موقعیت خاص زمان نزول آیه، وضعیت مخاطبان و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و سیاسی پیرامون نزول وحی بدست می‌آید. این قرائن به مفسر کمک می‌کنند تا معنای دقیق‌تر و عمیق‌تری از آیات قرآن استنباط کند. در واقع، قرائن مقامی شامل عناصری هستند که از محیط و شرایط زمانی و مکانی نزول آیات ناشی می‌شوند (صدر حسینی، ۱۵۹) و می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

موقعیت تاریخی: منظور زمان و موقعیتی که آیه در آن موقعیت نازل شده است. برای مثال، آیا آیه در دوران مکه یا مدینه نازل شده است؟ این امر می‌تواند در فهم محتوای آیه و پیام آن تأثیر بگذارد. (طباطبایی، ۱۱۸؛ ابن خلدون، ۴۷۵/۵)

شرایط اجتماعی و سیاسی: شرایط اجتماعی و سیاسی وضعیت جامعه اسلامی یا دشمنان اسلام در زمان نزول آیه را شامل می‌گردد. برای مثال، اگر آیه‌ای در زمان جنگ نازل شده باشد، مفهوم آن می‌تواند متأثر از شرایط جنگی باشد. (همان)

مخاطبان خاص: برخی آیات قرآن به افراد یا گروه‌های خاصی اشاره دارند. درک اینکه آیه برای چه کسی یا چه گروهی نازل شده است، می‌تواند به تفسیر دقیق‌تر آن کمک کند. (رازی، ۳۲۳/۲)

حوادث و رویدادهای معاصر نزول: برخی آیات به‌طور مستقیم به رویدادهای خاصی اشاره دارند، مثل جنگ‌ها، پیمان‌ها، یا مسائل اجتماعی که در جامعه صدر اسلام رخ داده‌اند. (ایازی، ۱۳۴)

شأن نزول آیات: داستان‌ها یا وقایعی که منجر به نزول آیات شده‌اند، به‌عنوان قرائن مقامی در فهم بهتر معنای آیه مؤثر هستند. به این اطلاعات اسباب النزول گفته می‌شود و نقش کلیدی در تفسیر ایفا می‌کند. (بحرانی، ۱۷/۱)

اهمیت قرائن مقامی در تفسیر: فهم دقیق‌تر و جامع‌تر آیات: بسیاری از آیات قرآن دارای معانی عمیقی هستند که تنها با درک شرایط و قرائن مقامی امکان‌پذیر است. توجه به این قرائن باعث می‌شود که مفسر معنای اصلی و هدف آیه را به درستی بفهمد. جلوگیری از تفسیر نادرست: نادیده گرفتن قرائن مقامی ممکن است باعث شود که آیات به نادرستی تفسیر شوند یا از مفهوم اصلی خود دور شوند. قرائن مقامی به مفسر کمک می‌کند که از تفسیر به رأی جلوگیری کند. (جوادی آملی، ۴۴)

روشن‌گری در آیات الاحکام: بسیاری از احکام شریعت اسلامی تنها با توجه به قرائن مقامی قابل فهم دقیق هستند. برای مثال، دانستن شرایط اجتماعی و اقتصادی زمان نزول احکام زکات یا جهاد، می‌تواند به درک بهتر فلسفه این احکام کمک کند.

فهم بطن و تأویل آیات: در برخی موارد، استفاده از قرائن مقامی به مفسر اجازه می‌دهد که به معنای باطنی یا تأویل آیه دست یابد. این مسئله به‌ویژه در آیات متشابه یا آیات مرتبط با مسائل فلسفی و کلامی اهمیت دارد. (ابن ابی‌جمهور، ۱۰۷/۴)

با توجه به اهمیت قرائن مقامی در تفسیر قرآن، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که علامه طباطبایی در مواجهه با این قرائن از چه اصول و شاخصه‌هایی پیروی کرده است که بررسی آن در بخش بعدی دنبال می‌شود.

۳. اصول و روش علامه طباطبایی در تفسیر آیات الاحکام و استفاده از قرائن مقامی

این بخش درصدد است اصول حاکم بر روش تفسیری علامه طباطبایی در استفاده از قرائن مقامی را تبیین کند تا زمینه برای بررسی مصادیق کاربردی این روش در آیات الاحکام فراهم شود.

هر مفسری در تفسیر آیات قران مبانی ویژه خود را دارد که امکان دارد با مفسر دیگر متفاوت باشد. در این راستا در تفسیر آیات فقهی نیز ممکن است براساس مبانی ویژه خود احکام را تبیین کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیات الاحکام از شاخصه‌های خاصی با استفاده از قرائن مقامی استفاده نموده است. (شاکر، ۴۰) یکی از مهم‌ترین روش‌های علامه در تفسیر آیات الاحکام، توجه به شأن نزول آیات است. وی به این اصل معتقد است که درک درست از واقعه‌ای که منجر به نزول آیه شده است، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تفسیر آیات داشته باشد. با بررسی شأن نزول، مفسر می‌تواند مقصود اصلی آیه را بهتر بفهمد و آن را در بستر تاریخی‌اش تفسیر کند. (طباطبایی، ۱۳۴) در برخی از موارد، شناخت شخصیت‌ها و وضعیت روانی افرادی که آیه درباره آن‌ها نازل شده است، به تفسیر دقیق کمک می‌کند. به‌ویژه در مورد اسباب النزول و شرایط خاص فردی، این نوع قرائن می‌تواند بسیار مفید باشد. علامه طباطبایی درباره ارزش و اعتبار روایات اسباب النزول می‌گوید: «البته دانستن آنها تا اندازه‌ای انسان را از مورد نزول و مضمونی که آیه نسبت به خصوص مورد نزول خود به دست می‌دهد روشن ساخته، کمک می‌کند و از این روی گروه انبوهی از محدثین صحابه و تابعین در صدر اسلام به ضبط و روایت اسباب النزول همت گماشته بودند و اخبار بی‌شماری در این باره نقل نموده‌اند. این روایات از طرق اهل سنت بسیار زیاد است و به چندین هزار روایت می‌رسد و از طرق شیعه کم و شاید از چند صد بیشتر نباشد. البته همه روایات هم مسند و صحیح نیست بلکه بسیاری از آنها غیرمسند و ضعیف‌اند» (همان) به عنوان نمونه ایشان در تفسیر آیات مربوط به قصاص «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ

أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (البقره، ۱۷۸)، بیان می‌دارد که با توجه به شأن نزول این آیات و بررسی وضعیت جوامع عرب پیش از اسلام و اختلافات قبیله‌ای، تشریح حکم قصاص برای تنظیم روابط اجتماعی و جلوگیری از بی‌عدالتی بوده است. او به زمینه اجتماعی و تاریخی آن زمان اشاره می‌کند که در آن، انتقام‌جویی‌های ناعادلانه و قتل‌های انتقام‌جویانه رایج بود و قرآن با تشریح حکم قصاص، عدالت اجتماعی را برقرار ساخت. (طباطبایی، ۴۳۳/۱) در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (البقره، ۲۷۸) علامه طباطبایی توضیح می‌دهد که این آیه به انضمام دو آیه پیشین احکام ربا را مطرح می‌کند. در سال دهم هجری که پیامبر در حجه الوداع به مکه مشرف شد خطبه‌ای را خواند که چند حکم شرعی را شامل می‌شود و از آن جمله این که ربای جاهلی یعنی طلب‌هایی که از آنها باقی مانده بی‌وجه و ملغی می‌باشد (طباطبایی، ۴۲۳/۲) علامه طباطبایی در تفسیر آیات قرآن، از جمله آیات الاحکام، شیوه‌ای استدلالی و مبتنی بر درک عمیق متن و زمینه‌های تاریخی و اجتماعی پیاده می‌کند. از جمله محورهای مورد تأکید او، استفاده از قرائن مقامی است این قرائن شامل مواردی چون: شأن نزول آیات - موقعیت تاریخی و اجتماعی نزول آیات - شناخت شخصیت‌ها و شرایط مرتبط با مخاطبان اولیه قرآن. علامه معتقد است استفاده از چنین عوامل زمینه‌ای می‌تواند به درک بهتر از مقصود اصلی آیات کمک کند و موجب فهم عمیق‌تری از احکام شرعی و مقاصد شریعت شود.

۳-۱. توجه به مخاطبان آیات

یکی از قرائن مقامی؛ شناخت دقیق مخاطبان است. برخی از آیات به گروه‌های خاصی از مردم، نظیر مؤمنان، منافقان، یا کفار، خطاب شده‌اند و فهم معنای دقیق آیه به شناسایی این گروه‌ها وابسته است. مثلاً در آیات مربوط به منافقان، دانستن اینکه این آیات به چه کسانی اشاره دارد و چه ویژگی‌هایی دارند، به معنای بهتر آیات کمک می‌کند. مانند آیات

سوره توبه که رفتارهای منافقان را توصیف می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر آیات الاحکام، به شناخت مخاطبان آیات توجه ویژه دارد. او بررسی می‌کند که آیا آیات خطاب به مؤمنان است، به کفار یا منافقان اشاره دارد یا به یک گروه خاص اجتماعی. (بابایی، ۳۳) منظور فرد و یا افرادی است که پاره‌ای از آیات آنان را به طور مستقیم در فضای خطاب و نزول مورد عنایت و خطاب قرار داده است و در ابتدا قصد دلالت آنها را بر معنا دارد. یکی از شرایط سخن گفتن این است که متکلم مخاطبان خود را در فضای کلام به طور آشکار در معنای مورد نظر دلالت کند و قرآن نیز که در بین مخاطبان خود به وجود آمده است مخاطبان خود را به طور آشکار بر معنای مورد نظر دلالت می‌دهد (فتاحی‌زاده و همکاران، ۴۹-۷۲)

در تفسیر آیه‌های حجاب «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (نور، ۳۱) علامه طباطبایی به مخاطب آیه که زنان مؤمن هستند، توجه می‌کند و توضیح می‌دهد که این آیات؛ احکامی را برای حفظ عفت عمومی و اخلاقی در جامعه ارائه می‌دهند. او با توجه به مخاطب خاص آیات، به تبیین دقیق احکام مربوط به پوشش زنان می‌پردازد و این موضوع را با نیازهای اخلاقی جامعه اسلامی هماهنگ می‌بیند. (طباطبایی، ۱۱۳/۱۵) علامه طباطبایی با تأکید بر شناخت دقیق مخاطبان و زمینه‌های نزول آیات، نشان داده است که درک عمیق و جامعی از قرآن مستلزم شناخت این عوامل است. این روش او را قادر می‌سازد تا به تفسیرهایی دقیق و منطبق بر نیازهای زمان نزول بپردازد و نقش اجتماعی و اخلاقی دعاوی قرآنی را به وضوح آشکار کند. این نگاه علامه نه تنها به روشنی تفسیر می‌افزاید، بلکه نشان می‌دهد قرآن چگونه می‌تواند در فضای زندگی واقعی و تاریخی نقش فعال و راهبری ایفا کند.

۲-۳. توجه به سبک زبانی و بلاغی قرآن

علامه طباطبایی به بلاغت و سبک زبانی آیات قرآن توجه دارد و معتقد است که شیوه

بیان قرآن و انتخاب واژگان آن در درک معنای آیات تأثیر بسزایی دارد. او در تفسیر آیات الاحکام به بررسی دقیق واژگان و ترکیب‌های زبانی می‌پردازد تا معنای درست احکام را به دست آورد. (بابایی و دیگران، ۸۰) مثلاً در تفسیر آیه ۶ سوره مائده درباره وضو: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» بیان می‌دارد که با دقت در ترکیب زبانی و تحلیل دقیق نحوی و صرفی واژگان، توضیح می‌دهد که چگونه این آیه، ترتیب و کیفیت وضو را بیان کرده است. او همچنین بر اهمیت سبک بیان قرآن در تبیین احکام وضو تأکید می‌کند. (طباطبایی، ۲۲۰/۵)

۳-۳. توجه به شرایط اجتماعی و عرفی زمان نزول

بسیاری از احکام قرآن در واکنش به شرایط خاص اجتماعی نازل شده‌اند و درک این شرایط به مفسر کمک می‌کند تا معنای دقیق‌تری از احکام به دست آورد (طبرسی، ۱ و ۸۰۷/۲ و ۳ و ۵۷۰/۴) علامه طباطبایی به شرایط اجتماعی و عرف‌های زمان نزول آیات توجه دارد و از این موضوع در تفسیر آیات الاحکام بهره می‌گیرد مثلاً در تفسیر آیات مربوط به چندمسری، «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا» (النساء، ۳) علامه طباطبایی به شرایط اجتماعی آن زمان اشاره می‌کند که در آن جنگ‌ها و کشته شدن مردان باعث افزایش تعداد زنان بی‌سرپرست می‌شد. او توضیح می‌دهد که قرآن با تشریح چندمسری و محدود کردن آن به چهار زن، به دنبال حل یک مسئله اجتماعی بوده است و این حکم را در چارچوب عدالت و حمایت از زنان تفسیر می‌کند. (طباطبایی، ۱۶۷/۴)

۳-۴. توجه به تدریجی بودن تشریح احکام

تدریجی بودن تشریح احکام در قرآن از مسائل مورد توجه مفسران است. بدین معنا که برخی از احکام به تدریج نازل شده‌اند تا جامعه بتواند به تدریج آن‌ها را بپذیرد و عمل کند.

(مکارم شیرازی، ۳۸۹/۱) علامه طباطبایی این موضوع را به ویژه در احکامی که به تغییرات اجتماعی بزرگ نیاز داشته‌اند، مورد توجه قرار داده است. به عنوان نمونه؛ در تفسیر احکام تحریم شراب، علامه طباطبایی به تدریجی بودن تحریم شراب اشاره می‌کند. در ابتدا قرآن؛ مسلمانان را از نزدیک شدن به نماز در حالت مستی نهی کرد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا غَفُورًا» (النساء، ۴۳)، سپس به تدریج با ذکر ضررهای آن «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْئَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» (البقره، ۲۱۹)، در نهایت به طور کامل آن را حرام کرد. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (المائدة، ۹۰). علامه این روند تدریجی را نشانه‌ای از توجه قرآن به وضعیت روحی و اجتماعی مسلمانان آن زمان می‌داند. (طباطبایی، ۳۶۰/۴ و ۱۹۳/۲) علامه طباطبایی معتقد است که این روند تدریجی بیانگر سیاست حکیمانه قرآن در پیاده‌سازی احکام شرعی با در نظر گرفتن شرایط روحی و اجتماعی مسلمانان صدر اسلام است. این تدریج موجب می‌شد تا افراد به تدریج از عادات ناپسند خود فاصله بگیرند و احکام جدیدی را که نیازمند تغییرات عمیق روانی و اجتماعی بود، به آسانی بپذیرند. روند تدریجی تشریح احکام را به عنوان یکی از شیوه‌های حکیمانه قرآن در هماهنگی با جامعه جاهلی و برای ایجاد تحول بنیادین در رفتارها و باورها تحلیل می‌کند. او این ویژگی را نشان‌دهنده توجه قرآن به شرایط اجتماعی و روانی مخاطبان دانسته است.

۳-۵. تطبیق احکام با مقاصد شریعت

مقاصد شریعت؛ احکام قرآن را در راستای اهداف کلی شریعت، از جمله عدالت، کرامت انسانی، رفاه عمومی و حفظ نظم اجتماعی، تفسیر می‌کند. (زمانی، ۶) علامه طباطبایی به

این مطلب توجه دارد و در تفسیر آیات الاحکام این مبنا را مدنظر قرار می‌دهد. مثال: در تفسیر آیات مربوط به ربا «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ * يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ * إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (البقره، ۲۷۵-۲۷۹)، علامه طباطبایی توضیح می‌دهد که هدف از تحریم ربا، جلوگیری از ظلم و استثمار مالی است. او بیان می‌کند که این حکم نه تنها یک حکم فقهی است، بلکه در راستای مقاصد کلی شریعت اسلامی برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است. (طباطبایی، ۴۱۱/۲) به طور کلی باید گفت که در تفسیر آیات الاحکام، علامه طباطبایی با استفاده از قرائن مقامی، به درک دقیق‌تر و جامع‌تری از احکام شرعی می‌رسد. او با توجه به شأن نزول، مخاطبان آیات، شرایط اجتماعی و عرفی زمان نزول و سبک زبانی قرآن، تلاش می‌کند که هر حکم را در بستر اجتماعی و دینی خود تحلیل کند و درک عمیق‌تری از حکمت‌ها و مقاصد آن به دست آورد. رویکرد علامه در تفسیر المیزان به گونه‌ای است که علاوه بر فهم دقیق احکام فقهی، به فلسفه تشریح و اهداف کلی شریعت نیز توجه دارد و این موضوع باعث می‌شود که تفسیر او به‌عنوان یکی از منابع معتبر در فهم آیات الاحکام شناخته شود.

پس از تبیین اصول کلی روش علامه طباطبایی، نوبت به بررسی انواع قرائن مقامی می‌رسد که این اصول در چارچوب آن‌ها به کار گرفته می‌شوند.

۴. انواع قرائن مقامی

قرائن مقامی دارای انواعی است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱. قرائن تاریخی

این قرائن به بررسی تاریخ نزول آیه و وقایع تاریخی که به آن مرتبط است، می‌پردازند. آگاهی از وقایع تاریخی یا مسائل مربوط به زمان نزول می‌تواند به معنای درست آیه کمک کند. (هروی، ۴۵؛ شاطبی، ۳/۳۴۸) شناخت موقعیت زمانی و مکانی و فردی و اجتماعی در زمان نزول آیات؛ این امکان را فراهم می‌سازد تا حقایق و معارف وحی را در زمینه‌های صدور آن مورد بررسی قرار داده و تحلیل کند و از چهره آیات ابهام‌زدایی کرده و به حقیقت پنهان آیات برسد از این‌رو شناخت تاریخ صدر اسلام و آگاهی یافتن نسبت به زمان و مکان؛ اشخاص و شرایط و زمینه‌های نزول آیات در فهم مدلول آیات کمک می‌کند (مفید، ۱۵۲؛ حسکانی، ۱/۴۰-۴۸) مثلاً در آیه ۱۹۰ سوره بقره: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» آمده است که این آیه به جنگ دفاعی در برابر کسانی که به مسلمانان حمله می‌کنند اشاره دارد. فهم دقیق این آیه با شناخت جنگ‌های صدر اسلام و شرایط تاریخی آن زمان امکان‌پذیر است. (طباطبایی، ۶۱/۲)

۴-۲. قرائن اجتماعی

شناخت شرایط اجتماعی و عرف‌های زمان نزول قرآن برای درک درست آیات ضروری است. احکامی چون بردگی، چندهمسری و نیز آیه‌ی دوم سوره‌ی نساء درباره‌ی اموال یتیمان، در چارچوب موقعیت‌های خاص اجتماعی نازل شده‌اند و فهم آن زمینه تاریخی و فرهنگی، به تفسیر دقیق‌تر و عادلانه‌تر احکام الهی یاری می‌رساند: «وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا» (النساء، ۲) علامه طباطبایی در تفسیر آیه بر حمایت از یتیمان و حفظ عدالت اقتصادی تأکید دارد. او این حکم را صرفاً توصیه‌ای فردی نمی‌داند، بلکه آن را اصلی اجتماعی برای جلوگیری از تمرکز ثروت، استثمار و بی‌عدالتی در جامعه می‌داند؛ اصلی که هدفش برقراری نظم اقتصادی عادلانه و صیانت از حقوق محرومان است. (طباطبایی، ۱۵۲/۴)

قرائن تاریخی و اجتماعی در تفسیر قرآن نقش مکمل دارند و فهم دقیق آیات بدون توجه به هر دو ممکن نیست. علامه طباطبایی شناخت تاریخ صدر اسلام و شرایط اجتماعی زمان نزول را برای درک درست پیام‌های قرآن ضروری می‌داند. او با بهره‌گیری از این قرائن، نه صرفاً برای استخراج احکام، بلکه برای تبیین مقاصد انسان‌محور و عدالت‌گرای قرآن، الگویی عمیق از تفسیر ارائه می‌کند که بر تحلیل درون‌متنی و شناخت بستر تاریخی و فرهنگی استوار است.

برای ارزیابی عملی اصول و شاخصه‌های یادشده، در ادامه، کاربری قرائن مقامی در تفسیر برخی از آیات الاحکام منتخب، شامل آیات قصاص، طلاق و ارث، بررسی می‌شود.

۵. کاربری قرائن مقامی در تفسیر آیات الاحکام در تفسیر المیزان

الف) آیه قصاص

علامه طباطبایی در تفسیر آیه قصاص «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى...» (البقره، ۱۷۸) علامه طباطبایی آیه‌ی قصاص را ناظر به اصلاح نظام انتقام‌جویانه دوران جاهلیت می‌داند؛ زمانی که جامعه بر پایه‌ی خون‌خواهی‌های قبیله‌ای اداره می‌شد. او معتقد است این آیه برای محدود کردن انتقام‌ها، برقراری عدالت و جلوگیری از جنگ‌های قبیله‌ای نازل شده و با توجه به عرف زمان، قالبی متناسب برای تحقق نظم و انسانیت در جامعه ارائه کرده است. (طباطبایی، ۴۳۳/۱)

ب) حکم طلاق

در تفسیر آیه «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ...» (البقره، ۲۲۹) علامه طباطبایی آیه‌ی طلاق را ناظر بر اصلاح وضعیت ناعادلانه زنان در دوران پیش از اسلام می‌داند. او با تکیه بر قرائن مقامی توضیح می‌دهد که این آیه برای محدود کردن اختیار مطلق مردان در طلاق و جلوگیری از سوءاستفاده آنان نازل شده است، تا با تعیین حد دو

مرتبه طلاق، حقوق زنان حفظ و نظم عادلانه‌ای در روابط خانوادگی برقرار شود.
(طباطبایی، ۲۳۴/۲)

ج) آیه ارث

آیه‌ای که در مورد ارث نازل شده «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْأُنثِيَيْنِ...» (النساء، ۱۱) نیز به صورت واضح به یک مسئله اجتماعی مهم اشاره دارد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به وضعیت زنان در جامعه جاهلی می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه زنان در آن زمان از ارث محروم بودند و هیچ حقی نداشتند. علامه با توجه به قرائن مقامی، این آیه را به عنوان راهکاری برای اصلاح وضعیت زنان در جامعه معرفی می‌کند. وی توضیح می‌دهد که اسلام با این حکم، حقوق زنان را تضمین کرده و آن‌ها را از وضعیت تحقیرآمیزی که در آن قرار داشتند، بیرون آورده است. (طباطبایی، ۲۰۸/۴) بنابراین فهم دقیق این آیات بدون در نظر گرفتن شرایط و موقعیت نزول آن‌ها ناقص است. این رویکرد به مفسر کمک می‌کند تا آیات را در بستر اصلی خود قرار دهد و به درکی جامع و عمیق از احکام قرآن برسد.

۶. شاخصه‌های روش استفاده از قرائن مقامی در تفسیر المیزان

در استفاده از قرائن مقامی در تفسیر آیات الاحکام در تفسیر المیزان شاخصه‌هایی وجود دارد که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم:

۶-۱. توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی زمان نزول

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های علامه طباطبایی، توجه دقیق به بافت تاریخی و اجتماعی نزول آیات است. وی معتقد است که قرآن در یک محیط و جامعه خاص نازل شده است و بدون توجه به این شرایط، نمی‌توان به فهم درستی از آیات دست یافت. برای مثال، او در

تفسیر آیات الاحکام، به بررسی روابط قبیله‌ای، آداب و رسوم جاهلی و تأثیر آن‌ها بر قوانین و دستورات قرآنی می‌پردازد. علامه تأکید می‌کند که بسیاری از احکام قرآنی پاسخی به مشکلات و معضلات جامعه زمان نزول بوده‌اند. (طباطبایی، ۶۵۷/۱) علامه طباطبایی در تفسیر آیه قصاص به بررسی وضعیت جاهلیت و جنگ‌های قبیله‌ای می‌پردازد. در آن زمان، قصاص به معنای انتقام‌های بی‌پایان بود و قبایل، کشتارهای متقابل انجام می‌دادند. قرآن با آوردن این آیه، تلاش کرد تا قصاص را به یک حد قانونی و منصفانه محدود کند. علامه به دقت به این شرایط اجتماعی اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که آیه برای کنترل خشونت و برقراری عدالت آمده است. (همان، ۶۵۸/۱)

۲-۶. توجه به مخاطبان خاص آیات

علامه طباطبایی در تفسیر خود به شناسایی مخاطبان آیات اهمیت می‌دهد و معتقد است فهم دقیق معنا وابسته به شناخت گروهی است که آیه درباره یا برای آنان نازل شده است؛ خواه مؤمنان باشند یا کفار و منافقان. او با این رویکرد، هدف و پیام هر آیه را روشن تر می‌سازد؛ مانند تفسیر آیه زکات که متناسب با وضعیت و نیاز مخاطبان بیان شده است. (التوبه، ۶۰) «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا...» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به بررسی مخاطبان خاص آن می‌پردازد و توضیح می‌دهد که آیه به کسانی اشاره دارد که در جامعه اسلامی نیازمند کمک مالی بودند. او با توجه به شرایط اقتصادی و نیازهای جامعه صدر اسلام، دسته‌بندی مخاطبان (فقرا، مساکین، عاملین زکات و...) را به دقت شرح می‌دهد. علامه به این مسئله توجه دارد که این آیه به‌طور خاص برای تنظیم کمک‌های مالی در جامعه اسلامی نازل شده است. (طباطبایی، ۳۱۱/۹)

۳-۶. استفاده از شواهد تاریخی و احادیث

علامه طباطبایی برای روشن شدن قرائن مقامی، از منابع تاریخی و روایات شأن نزول بهره می‌گیرد و با دقت در اعتبار احادیث، تنها به منابع معتبر و موثق استناد می‌کند تا

تفسیر آیات را بر پایه شواهد تاریخی و روایی دقیق ارائه دهد. مثال: آیه وضو «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ...» (المائدة، ۶) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، به احادیثی در مورد نحوه وضو گرفتن پیامبر (ص) و شأن نزول این آیه اشاره می‌کند. وی از شواهد تاریخی استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه پیامبر و مسلمانان در آن زمان عمل وضو را انجام می‌دادند. این احادیث به فهم بهتر جزئیات و نحوه اجرای حکم وضو کمک می‌کند. (طباطبایی، ۲۲۰/۵ تا ۲۲۲)

۴-۶. رویکرد عقلی و فلسفی به قرائن مقامی

علامه طباطبایی در تفسیر خود علاوه بر بهره‌گیری از شواهد تاریخی، از تحلیل‌های عقلی و فلسفی نیز استفاده می‌کند تا ارتباط آیات با شرایط نزول و دلایل منطقی احکام را آشکار سازد. این رویکرد ترکیبی، او را به فهمی عمیق‌تر و عقل‌پذیرتر از معانی قرآن می‌رساند. مثال: آیه ارت «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...» (النساء، ۱۱) علامه طباطبایی با استفاده از رویکرد عقلی، توضیح می‌دهد که چرا سهم مردان و زنان در ارت متفاوت است. او از قرائن مقامی و شرایط اجتماعی زمان نزول آیه بهره می‌برد و از نظر فلسفی و عقلی به توضیح این حکم می‌پردازد. وی بیان می‌کند که این تقسیم‌بندی ارت بر اساس وظایف اقتصادی و اجتماعی مردان و زنان در جامعه اسلامی زمان نزول تنظیم شده است و با توجه به این تفاوت‌ها، حکم عادلانه و منطقی است. (طباطبایی، ۲۰۸/۴)

۵-۶. پیوند قرائن مقامی با هدایت کلی قرآن

علامه طباطبایی معتقد است که هرچند قرآن در یک بافت تاریخی خاص نازل شده، اما پیام آن فرازمانی است و محدود به زمان و مکان خاصی نیست. او تلاش می‌کند تا با استفاده از قرائن مقامی، هدایت کلی و جاودانه قرآن را نشان دهد. به عبارتی، او از قرائن مقامی به‌عنوان ابزاری برای فهم بهتر پیام‌های کلی قرآن استفاده می‌کند و سعی دارد که نشان دهد چگونه این پیام‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها کاربرد دارند. مثال: آیه حد سرقت

(المائده، ۳۸) «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا...» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه به شرایط اجتماعی زمان نزول اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه قرآن در آن دوران حکم سرقت را به شکلی دقیق و عادلانه تنظیم کرده است. با این حال، او تلاش می‌کند که این حکم را به عنوان یک هدایت کلی و جاودانه قرآن توضیح دهد که هدف آن حفظ امنیت و عدالت در جامعه است. به بیان دیگر، وی با استفاده از قرائن مقامی، نشان می‌دهد که حکم قطع دست به عنوان یک تدبیر برای جلوگیری از جرایم در یک جامعه اسلامی طراحی شده است. (طباطبایی، ۳۲۹/۵)

۶-۶. انتقاد از ظاهرگرایی و تأکید بر بطن آیات

علامه طباطبایی از مفسرانی است که به شدت از ظاهرگرایی در تفسیر انتقاد می‌کند. او معتقد است که بسیاری از معانی قرآن تنها با تکیه بر ظاهر آیات قابل فهم نیستند و برای دست‌یابی به معنای عمیق‌تر، باید از قرائن مقامی بهره گرفت. به عنوان مثال، برخی از احکام فقهی ممکن است در ظاهر آیه ساده به نظر برسند، اما علامه با توجه به شرایط زمان نزول، تلاش می‌کند که فلسفه و حکمت این احکام را روشن کند (طباطبایی، ۲۲-۲۳؛ طباطبایی، ۷/۱). مثال: آیه چند همسری (النساء، ۳) «فَأَنكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ...» (النساء، ۳) علامه طباطبایی آیه‌ی چندهمسری را تأیید مطلق چند زن داشتن نمی‌داند، بلکه آن را راه‌حلی موقت برای مشکلات اجتماعی مانند حمایت از یتیمان و زنان بی‌سرپرست تفسیر می‌کند. او با پرهیز از ظاهرگرایی و با تکیه بر قرائن مقامی و مبانی اخلاق اسلامی، فلسفه‌ی انسانی و اجتماعی این حکم را برجسته می‌سازد. (طباطبایی، ۱۶۶/۴)

۶-۷. اجتناب از تفسیر به رأی

علامه طباطبایی از تفسیر به رأی پرهیز می‌کند و تأکید دارد که قرائن مقامی نباید وسیله‌ای برای تحمیل برداشت‌های شخصی شود. او تفسیر صحیح آیات را در گرو اتکای

علمی، عقلانی و مبتنی بر منابع معتبر می‌داند که بیانگر دقت و پابندی اخلاقی او در فهم قرآن است. (طباطبایی، ۸/۱-۹)، مثال: آیه قضاوت «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...» (النساء، ۵۸) علامه طباطبایی در تفسیر این آیه از تفسیر به رأی اجتناب می‌کند و به جای اینکه از این آیه برای استدلالات شخصی استفاده کند، با توجه به قرائن مقامی به بیان شرایطی می‌پردازد که این آیه در آن نازل شده است. وی توضیح می‌دهد که این آیه برای قضاوت منصفانه در جامعه نازل شده و هدف آن برقراری عدالت است. او با توجه به شرایط اجتماعی و نیاز به قضاوت‌های عادلانه در زمان نزول آیه، این حکم را به‌طور جامع تفسیر می‌کند. (طباطبایی، ۴/۳۷۸)

۶-۸. توجه به ارتباط آیات و سیاق

علامه طباطبایی یکی از معدود مفسرانی است که به نظم درونی و ساختار آیات قرآن توجه ویژه‌ای دارد. او معتقد است که قرآن به‌گونه‌ای نازل شده که هر بخش آن با بخش‌های دیگر مرتبط است و این ارتباط را می‌توان در قالب نظم خاصی فهمید. در تفسیر آیات الاحکام، علامه تلاش می‌کند که هر حکم را در سیاق کلی قرآن ببیند و آن را با دستورات دیگر تطبیق دهد. (طباطبایی، ۱۶۶) این دیدگاه به او اجازه می‌دهد که هر حکم را نه به‌صورت جداگانه، بلکه در چارچوبی کلی و منسجم از احکام و اصول دینی درک کند. (طباطبایی، ۱۲/۱۸۵) مثال: آیات مربوط به عده، که در آیات مختلفی از سوره بقره و سوره طلاق آمده است، از دیدگاه علامه به‌صورت منظم و مرتبط با هم دیده می‌شود و او سعی می‌کند که این احکام را در چارچوبی کلی‌تر توضیح دهد. در مورد توجه به سیاق و ارتباط آیات با یکدیگر؛ او معتقد است که آیات قرآن به‌صورت جداگانه نازل نشده‌اند و برای فهم درست هر آیه، باید به آیات قبل و بعد از آن نیز توجه کرد. این توجه به سیاق به او کمک می‌کند که شرایط و زمینه نزول آیات را بهتر درک کند و تفسیر جامع‌تری از قرآن ارائه دهد. (طباطبایی، ۱۳/۳۲۵) مثال: آیه‌های مربوط به طلاق (البقره، ۲۲۹-۲۳۰)

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَاِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحُ بِاِحْسَانٍ...» علامه طباطبایی در تفسیر این آیات به سیاق آن‌ها و ارتباط میان آیات قبل و بعد توجه می‌کند. (طباطبایی، ۲/۲۳۴) او توضیح می‌دهد که این آیه در چارچوبی نازل شده که حقوق و وظایف زن و مرد در زندگی زناشویی را تنظیم می‌کند. همچنین، علامه به آیاتی که قبل از این آیه آمده‌اند و موضوع حقوق زنان و نحوه رفتار با آن‌ها را مورد بحث قرار می‌دهند، اشاره می‌کند تا تفسیر کامل‌تری از حکم طلاق ارائه دهد. توجه به سیاق به علامه کمک می‌کند که حکم طلاق را نه به صورت جداگانه، بلکه در قالب یک چارچوب حقوقی گسترده‌تر بررسی کند. (طباطبایی، ۶۴)

۶-۹. توجه به نظم و ساختار قرآن

۶-۱۰. توجه به جهان‌شمولی و فرازمانی بودن قرآن

علامه طباطبایی به جهان‌شمولی و فرازمانی بودن احکام قرآن توجه دارد. او معتقد است که هرچند احکام قرآن در یک بافت تاریخی خاص نازل شده‌اند، اما پیام‌ها و دستورات آن فراتر از زمان و مکان بوده و قابلیت انطباق با شرایط مختلف را دارند. این دیدگاه به علامه کمک می‌کند تا احکام قرآنی را در چارچوبی گسترده‌تر و در تطابق با نیازهای جامعه مدرن نیز تفسیر کند. (طباطبایی، ۳/۱۶) مثلاً در تفسیر آیه‌های مربوط به معاملات، مانند احکام ربا (البقره، ۲۷۵-۲۷۹)، علامه طباطبایی بیان می‌کند که این احکام نه تنها به مسائل مالی صدر اسلام پاسخ می‌دهند، بلکه برای جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی در همه جوامع و در هر دوره‌ای نازل شده‌اند. او بر این نکته تأکید دارد که احکام قرآن فراتر از زمان خاصی هستند و در تمام زمان‌ها قابل اجرا و کاربرد هستند. (طباطبایی، ۲/۴۰۹)

۶-۱۱. توجه به بطن و تاویل آیات

علامه طباطبایی علاوه بر تفسیر ظاهر آیات، به تاویل و بطن آیات نیز توجه می‌کند. او

معتقد است که برخی از آیات قرآن دارای معنای ظاهری و باطنی هستند و تنها با توجه به قرائن مقامی و شناخت عمیق از مفاهیم دینی می‌توان به معنای باطنی آن‌ها دست یافت. این رویکرد تأویلی، به ویژه در آیات الاحکام، به علامه کمک می‌کند تا به لایه‌های پنهان‌تر معنایی احکام قرآنی دست پیدا کند. مثلاً در تفسیر آیات مربوط به روزه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ * أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ * شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتَكْبُرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (البقره، ۱۸۳-۱۸۵)، علامه طباطبایی علاوه بر بیان احکام ظاهری روزه، به حکمت‌های باطنی روزه‌داری مانند تقویت تقوا، کنترل نفس، و تقویت ارتباط با خداوند اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که روزه تنها یک عبادت جسمی نیست، بلکه هدف آن تربیت روح و نفس انسانی است. (طباطبایی، ۵/۲ تا ۱۰)

۶-۱۲. توجه به تطبیق با اصول فقهی و کلامی

علامه طباطبایی در تفسیر آیات الاحکام، سعی دارد که هر حکم را با اصول فقهی و کلامی اسلام تطبیق دهد. او به دنبال آن است که نشان دهد چگونه احکام قرآنی در چارچوب اصول کلی فقه و کلام اسلامی قرار می‌گیرند و با این اصول سازگار هستند. مثلاً در تفسیر آیات مربوط به قصاص، علامه طباطبایی این حکم را با اصول کلی عدالت اسلامی تطبیق می‌دهد و توضیح می‌دهد که قصاص نه تنها از جنبه کیفری، بلکه از نظر اخلاقی نیز با عدالت اسلامی سازگار است و مانع از ظلم و بی‌عدالتی می‌شود.

۶-۱۳. تحلیل

استفاده از این قرائن یک رویکرد جامع‌نگرانه به تحلیل آیات است، که مفسر را قادر

می‌سازد تا با در نظر گرفتن بافت‌ها و شرایط مختلف، به معنای واقعی آیات دست پیدا کند. قرائن مقامی نظیر قرائن تاریخی و اجتماعی از مهم‌ترین ابزارهایی هستند که برای حذف ابهام، درک ابعاد مختلف آیات و کشف پیام‌های عمیق نهفته در آنها به کار می‌روند. قرائن تاریخی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تفسیر آیات هستند که بر موقعیت زمانی، وقایع مرتبط با زمان نزول آیه و شرایط تاریخی صدر اسلام متمرکز هستند. این نوع قرائن نه تنها به شناسایی پس‌زمینه‌ها و دلایل نزول آیات کمک می‌کنند، بلکه به شاهدهی برای فهم نمای کلی آیات و هدف قرآن تبدیل می‌شوند. قرآن در جامعه‌ای نازل شده که دارای عرف‌ها، مناسبات اجتماعی، و ساختارهای فرهنگی ویژه‌ای بود. این عرف اجتماعی نه تنها بر ماهیت آیات تأثیر گذاشته، بلکه در برخی موارد فهم حکم شرعی و گزاره اخلاقی را وابسته به شناخت اجتماعی آن زمان می‌سازد. از این رو، قرائن اجتماعی در فهم دقیق‌تر پیام‌های قرآن از اهمیت زیادی برخوردارند. شناخت عرف‌های اجتماعی زمان نزول: برخی از قوانین و توصیه‌های قرآن محصول زمینه‌های اجتماعی خاص زمان نزول آن هستند. علامه طباطبایی به این نکته اشاره دارد که هر دریافتی از آیات بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و اقتصادی جوامعی که در آن آیات نازل شده‌اند، نمی‌تواند تصویر صحیحی از اهداف قرآن ارائه دهد. ایشان قرآن را در ارتباط مستقیم با افراد و جامعه می‌بیند و به همین دلیل، احکام اجتماعی قرآن را دارای ابعاد گسترده و فراتر از یک توصیه فردی می‌داند. شناخت شرایط تاریخی آیه، نظیر انتقام‌های قبیله‌ای، به علامه این امکان را داد که بفهمد حکم قصاص با هدف کنترل خشونت، گسترش عدالت و جلوگیری از ظلم تشریح شده است. این تحلیل مبتنی بر توجه به ظرافت‌های تاریخی و اجتماعی زمان نزول است که فهم درست آیه را فراهم می‌کند. علامه طباطبایی توجه ویژه‌ای به مخاطبان خاص آیات دارد. وی بررسی می‌کند که آیات قرآن برای چه گروهی (مسلمانان، کفار، اهل کتاب یا منافقان) نازل شده و هدف از مخاطب قرار دادن آنها چیست. این نکته به او کمک می‌کند تا هدف و پیام اصلی آیات را بهتر تجزیه و تحلیل کند. این روش عقلی - فلسفی به

او این امکان را می‌دهد که حکمت ظاهری و باطنی احکام را روشن سازد و نشان دهد که چرا احکام در زمان نزول و حتی برای تمام جوامع بشری توجیه پذیرند. توجه به سیاق، تفسیر علامه را از سطح احکام جزئی به سطح کل‌نگرانه‌ای از عدالت زناشویی بالا می‌برد.

۷. نتایج مقاله

روش علامه طباطبایی در تفسیر آیات الاحکام ترکیبی از تحلیل عقلی، استفاده از قرائن مقامی، توجه به سیاق آیات و شرایط تاریخی-اجتماعی است. این شیوه سبب می‌شود که تفسیر او فراتر از بیان صرف احکام فقهی بوده و جنبه فلسفی-اجتماعی احکام نیز مدنظر قرار گیرد. او تلاش کرده است که نه تنها مفهوم و مصداق حکم را در جامعه عصر نزول مشخص سازد، بلکه حکمتی عمومی و پایدار از احکام شرعی قرآنی کشف کند. این سبک از تفسیر، میزان را به منبعی جامع، تحلیلی و قابل اعتماد برای تطبیق احکام شریعت با نیازهای مختلف در طول زمان تبدیل کرده است. علامه طباطبایی مبتنی بر ساختارهایی نظام‌مند و تحلیلی، به فهم و تبیین احکام شرعی از قرآن پرداخته است و با بهره‌گیری از قرائن مقامی و توجه به شأن نزول، شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی زمان نزول آیات، تلاش کرده است تا احکام قرآن را به صورت دقیق و علمی، بر مبنای بسترهای تاریخی و بلاغی آن تحلیل و فهم کند.

۱. علامه معتقد است درک دقیق شأن نزول و بررسی بافت اجتماعی زمان نزول، از جمله روبه‌رو شدن با مسائلی نظیر روابط قبیله‌ای در جاهلیت یا شرایط جنگ‌ها و قوانین آن دوران، به فهم بهتر احکام کمک می‌کند.

۲. علامه همواره بر شناسایی مقصود مخاطبان خاص هر آیه تأکید دارد. او تلاش می‌کند تا با شناخت گروه‌هایی چون منافقان یا اهل کتاب، معنای دقیق آیات را در سیاق خطاب اولیه تحلیل کند و سپس مفهوم آیه را در بستر عام‌تر استخراج نماید.

۳. وی معتقد است که احکام قرآن در شرایط اجتماعی و عرفی خاصی نازل شده و فهم

دقیق این احکام بدون تحلیل دقیق این شرایط کامل نیست.

۴. ایشان معتقد بود که سبک زبانی و ساختار بلاغی آیات، کلیدی برای شناخت مقصود خداوند است. توجه به انسجام نحوی، صرفی و انتخاب واژگان در قرآن، جزئیات مهمی است که علامه برای فهم ظرایف زبانی در احکام شرعی مورد توجه قرار داده است. هرچند علامه از روایات شأن نزول و منابع تاریخی بهره‌برداری کرده است، اما رویکردی انتقادی نسبت به روایات ضعیف، غیرمسند و نامعتبر دارد. او تنها از احادیث موثق استفاده کرده و هرگونه تکیه بر روایات ضعیف برای تبیین مبانی شرعی را رد کرده است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم: مترجم: آیتی، عبدالمحمد، چاپ چهارم، تهران، سروش، ۱۳۷۴ش.
۲. ابن ابی جمهور احسائی، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه، چاپ اول، قم، دار سیدالشهدا علیه السلام للنشر، ۱۴۰۵ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، مترجم: کمره‌ای، محمدباقر، چاپ پنجم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۴. ایازی، سیدمحمدعلی، قرآن و فرهنگ زمانه، چاپ اول، قم، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۷۸ش.
۵. بابایی، علی‌اکبر، مکاتب تفسیری، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۸۱ش.
۶. همو، روش‌شناسی تفسیر قرآن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شماره ۴۲، سازمان تدوین کتب علوم انسانی، مجله الهیات شماره ۲۴.
۷. بابایی، علی‌اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۹ه ش.
۸. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، چاپ اول، قم، اسراء، ۱۳۸۸ش.
۱۰. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ اول، تهران، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۱۱. حسینی، سیدصدر، کتابخانه دیجیتال مرکز آموزی الکترونیکي دانشگاه قرآن و حدیث، بی‌تا.
۱۲. زمانی، محمدحسن، بررسی تطبیقی مقاصد شریعت، جبل المتین، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۳ش.
۱۳. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعه، بیروت، مؤسسه الکتب الثقافه، ۱۴۲۰ق.
۱۴. شاکر، محمدکاظم، مبانی و روش‌های تفسیری، چاپ اول، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۸۳ش.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۱۶. همو، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ه ش.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ه ش.
۱۸. فتاحی‌زاده، فتحیه، تبیین تحلیل رابطه متن و مخاطب در پیام‌های قرآن، کتاب قیم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵ش.
۱۹. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ه. ق.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۱. مسعودی، عبدالهادی، تفسیر روایی جامع، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۵ ه ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه ش.
۲۳. واعظی، احمد، نظریه تفسیر متن، چاپ اول، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ ه ش.